

سکوت رضایت آمیز رهبری

خدا رحمت کند مهندس عباس تاج وزیر آب و برق دولت موقت را. روزی در همان اوائل انقلاب، در دیدار دولت از رهبری در قم، قبل از آنکه آقا شروع به سخن کنند، متأثر از صحنه‌های دست بوسی وتبرک جوئی که هنگام ورود به بیت مشاهده کرده بود، با استناد به قرآن و سنت پیامبر^ص و شرح ماجرائی از اعتراض امام علی(ع) نسبت به کسانی که چنین تشریفاتی را می‌خواستند انجام دهند، با شجاعت و متانت از رهبری تقاضا کرد مانع آداب مغایر با روح اسلام و سنت پیشوایان دین شوند.

معمولاً آقایان از اظهار نظر غیر روحانیون در امور دینی خوششان نمی‌آید و آنرا نوعی فضولی تلقی می‌کنند. آقا هم که تا آن لحظه سرشان پائین بود، با نگاهی عاقل اندر سفیه به ایشان گفت: "من هیچ احتیاجی به این حرف و حرکتها ندارم، مردم عواطف و احساساتشان را به این وسیله به اسلام نشان می‌دهند. ما که چیزی نداریم به آنها بدهیم، با همین ابزار ارادت‌ها به روحانیت است که دلشان به اسلام گرم می‌شود".

نمی‌دانم رهبر فعلی جمهوری اسلامی هم درباره معجزه و کشف و کرامت "یا علی"! گفتن هنگام تولدشان که پس از هفتاد و اندی سال! به نقل از خانم "زین الدین" و ایشان هم از خواهر ناتنی آقا! توسط تولیت آستانه و امام جمعه قم اعلام می‌شود، بر همان استدلال هستند یا آنرا انکار می‌کنند؟ در مورد "سید خراسانی" نامیدنشان و فیلم "ظهور بسیار نزدیک است" و نقشی که برای ایشان در این قصه قائل شده‌اند چطور؟... چرا لام از کام مبارک نمی‌کشایند و امت همیشه در صحنه را از ابهام و انتظار در نمی‌آورند و خود به اشارت و بشارت چیزی نمی‌فرمایند؟

امام جمعه قم به هنگام نقالی آرام این قصه، پس از آماده کردن روحی مستمعین، در حالی که نُن صدایش ناگهان اوج می‌گیرد، فریاد می‌زند: "مردم، رهبر شما کسی است که با ورودش یاعلی گفت و در طول زندگی یاعلی گفت و تو حزب اللهی باید تا ابد پشت سر این رهبر یاعلی بگویی و این رمز موفقیت ماست!"

این قلم نیز به باور امام جمعه قم، يك "یا علی" با حال و حضور قلبی گفت و بلافاصله! پاسخی از پیام امام علی(ع) در دعائی درس‌آموز شنید:

"پروردگارا، من از گزافه گویان(غالیان) بیزارم، آنچنانکه عیسی پسر مریم(ع) از گزافه گویان زمانش بیزاری جست. بارخدا، آنان را برای همیشه خوار فرما و هیچیک از آنان را (درچنین مقاصدی) یاری مکن". (۱)

تکالی خوردم و نهج‌البلاغه را گشودم تا حیرت خود برطرف کنم، در سخنان حکیمانه‌اش آمده بود: "دو گروه در مورد من خود را به هلاکت (بدبختی) انداختند؛ آنکه در دوست داشتن زیاده روی (غلو) می‌کند و آنکه در دشمنی. (۲) به سخنانش در وصف پارسایان گوش سپردم، می‌گفت:

"از نشانه‌های این است که هرگاه مورد ستایش قرار گیرد، از (قبول) آنچه درباره‌اش می‌گویند بیمناک شود و گوید من خود به خویشتن آگاه‌ترم و پروردگارم از من به من آگاه‌تر. پروردگارا، مرا در (باور) آنچه می‌گویند مؤاخذه مکن، مرا برتر از آنچه می‌پندارند بگردان و در آنچه از آن بی‌خبرند بیامرز". (۳)

باز هم کتاب را ورق زدم، در شرح سخنانی، در ارتباط با حقوق دو طرفه رهبری و ملت، نقل شده بود که در اثناي گفتار امام، مردی از اصحاب که احساساتی شده و سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود برخاسته و مراتب "گوش به فرمان توئیم..." را با سخنانی ستایش‌آمیز و طولانی اعلام کرد.

معمولاً زمامدارانی که از تملق و چاپلوسی گل از گلشان می‌شکند، از چنین طرفدارانی تشکر و قدردانی می‌کنند، اما آنکه امروز "یاعلی" گفتنش برای کسانی دکان دنیائی پر رونقی شده، با تغییر موضوع بحث، آنچنان درس توحیدی به آن گوینده و مستمعین می‌دهد که دیگر کسی به خود اجازه ندهد از این غلطها بکند! خلاصه پاسخ ایشان به زبان محاوره‌ای امروز این است که: "مرد حساسی، تو خدا را نمی‌شناسی که این طور از من تعریف می‌کنی". نگاه کنید به اصل پاسخ:

"کسی که جلال خدا در نفسش عظیم و جایگاه او در قلبش جلیل باشد، در برابر این عظمت، هرچه غیر اوست صغیر جلوه خواهد کرد... از سخیف‌ترین حالات حاکمان، در نظر صالحان، این است که (از رفتارشان) مردم پندارند آنان دوستدار فخر و مباهات‌اند و بنای کارشان بر کبر و غرور قرار می‌دهند. و من بسیار کراحت دارم از این که در ذهن شما خطور کرده باشد که دوستدار ثنا و ستایشم. سپاس خدا را که چنین نیستم و اگر هم بودم، به سبب انحطاط در پیشگاه پروردگارم آنرا ترک می‌کردم زیرا تنها اوست که شایسته عظمت و کبریاء است. (۴)

نهج البلاغه را بستم و دیدم از ذکر "یاعلی" پاسخی موافق با منویات امام جمعه قم دریافت نمی‌کنم، با خود گفتم مقام معظم سالیانی دراز در مشهد مقدس مشرف بودند، شاید راز سکوت رضایت آمیزشان در برابر این ادعاها تعالیمی باشد که در جوار امام رضا(ع) فرا گرفته‌اند! کتاب‌های "عیون اخبار الرضا" و "اعتقادات شیخ صدوق" را گشودم تا سر نخ از این معما بیابم، به سخن زیر رسیدم:

بارخدا، من به تو پناه می‌برم و بیزاری می‌جویم از کسانی که در مورد ما چیزهایی ادعا می‌کنند که حق ما نیست. بارخدا، من نزد تو بیزاری می‌جویم از کسانی که در باره ما چیزهایی می‌گویند که ما در مورد خودمان نگفته‌ایم. بارخدا، ما هرگز آنها را به این پندارها دعوت نکرده‌ایم، پس ما را از آنچه می‌گویند مؤاخذه مکن و از این ادعاها ببخش. خدا، جنبنده‌ای از آنها روی زمین باقی مگذار که اگر چنین کنی بندگان را گمراه می‌کنند و جز فاجر و کافر درست کردن محصولی ندارند. (۵)

دیدم خیر، فایده‌ای ندارد، پاسخی در خور زمانه و نرخ روز نمی‌رسد، گفتم بالاخره تشیع را مکتب جعفری نامیده‌اند. شاید در تعالیم امام جعفر صادق(ع) دلالتی بر درمان‌بخشی معجزه وار ذکر "یاعلی" برای رفع مشکلات مملکت بیابم، آب پاکی روی دستم ریختند و راهی دیگر نشانم دادند:

جوانان‌تان را از شرّ گزافه‌گویان (غلاة) برحذر دارید تا فاسدشان نکنند! بی‌تردید گزافه‌گویان بدترین آفریده‌های خدایند، زیرا عظمت خدا را (با اغراق گوئی در مورد بندگان) کوچک می‌کنند و برای بندگان خدا ادعای ربوبیت (بخوانید ولایت مطلقه) می‌کنند. به خدا قسم شرّ این گزافه‌گویان از (منحرفین) اهل کتاب و مشرکین بیشتر است. (۶)

کمترین چیزی که شخص را از ایمان خارج می‌کند، این است که در مجلس فردی گزافه‌گو (غالی) بنشیند، به سخن او گوش دهد و گفتارش را تصدیق کند... رسول خدا^ﷺ گفت: "دو گروه از امت من بهره‌ای از ایمان نبرده‌اند؛ غالیان و قَدْریان (گزافه‌گویان و قضا قدری‌ها). (۷)

۱- اللهم انی بری من الغلاة کبراءه عیسی بن مریم من النصاری، اللهم اخذلهم ابدًا و لا تتصر منهم احدًا (امالی طوسی به نقل از اصغ بن ثباته).

۲- نهج البلاغه حکمت‌های ۱۱۷ و ۴۶۹

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۹۳ معروف به متقین

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۷۴

۵- اللهم انی اعوذ بک و ابراء الیک من الذین ادعوا لنا ما لیس لنا بحق. اللهم انی ابراء الیک من الذین قالوا فینا ما لم نقله فی انفسنا. اللهم انما لم ندعهم الی ما یزعمون فلا تواخذنا بما یقولون و اغفر لنا ما یدعون و لاتدع علی الارض منهم دیارا انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لایلدوا الا فاجرا کفارا.

۶- "احذروا علی شباکم الغلاة لایفسدونهم، فان الغلاة شر خلق الله، یصغرون عظمه الله، و یدعون الربوبیته لعبادالله، والله ان الغلاة شر من الیهود و النصاری و المجوس و الذین اشركوا... (امالی شیخ طوسی ص ۶۵۰).

۷- خصال صدوق صفحه ۶۴ چاپ اسلامیة